



۲۰۱۳/۰۱/۰۹

ولی احمد نوری



یکی از نشانه های استعداد سرشار مردم افغانستان را بیشتر از هر چیز دیگر در تاریخ ادب و هنر و آنهم در شعر شاعرانش می توان دید، که از دوره های دور تا کنون، نه تنها در میان افغانان و در فضای کشور، بلکه در خارج از وطن با نوشته های ادبی و سروده های شعری شان چون ستاره های درخشان در آسمان ادب افغانستان و در سطح جهان نور افکنده اند.

ولی با تأسف چندی قبل یکی از ستاره های فروزان و شناخته شده شعر و ادب افغانستان یعنی محترم استاد محمد طاهر «هاتف» که از سوی افغان های مقیم خارج در دهه نود قرن گذشته در مقام ملک الشعراء نشانی شده بود به رحمت حق پیوست. (روحش شاد باد)

وفات المناک شاعر معروف افغان استاد محمد طاهر «هاتف» در غربت تمام افغان های مقیم خارج، بالخاصه مجامع فرهنگی آنان را با سوگ دو جهتی گرفتار ساخت: یکی افغان های غربت نشین شاعری با لیاقت بلند هنری و بدیعه سرای و ملک الشعراء خویش را در خارج از وطن از دست دادند، و دیگر اینکه حالا افغان های خارج از کشور جایگاه خالی ملک الشعراء را با نا راحتی مینگرند.

برای وجود و حضور یک ملک الشعراء افغان های مهاجر و دور از وطن چه اسباب و دلایلی را می توان ردیف نمود؟ به نظر این حقیر اسباب و دلایل آتی را می توان برشمرد:

وقتی به سی و چند سال اخیر نظر اندازیم می بینیم که در میان ملیون ها افغان مهاجر شده در سراسر جهان تعداد زیاد هنرمندان منجمه ادبا، شعرا و نویسندگان نیز شامل هستند و نیز تعدادی از شعرا و نویسندگان از نسل دوم (فرزندان والدین مهاجر شده) در مجامع افغان های غربت نشین وجود دارند. این تعداد هم در حفظ و تمثیل ثقافت گروه های متنوع فرهنگی افغان ها، فعال هستند و حضور خود را با فرهنگ خود اعلام نموده اند و در این استقامت کارهای فراموش ناشدنی یی انجام داده اند. سطح کیفی کارهای فرهنگی آنان در حدی بوده که بعضی از این ادبای ما در اثبات باوقار بودن ثقافت ما، بزرگ ترین جوایز ادبی و هنری را بدست آورده اند، مثل جناب عتیق رحیمی داستان نویس، فلم ساز و هنرمند عالی مقام که با کتاب «خاک و خاکستر» خود و فیلم سینمایی آن و بعداً با کتاب «سنگ صبور» ش بلندترین جایزه ادبی «گانکور»^۱ کتاب سال را در ۲۰۰۸ میلادی از آن خود ساخت و سبب افتخار وطنش افغانستان و هموطنانش گردید، یا جناب عبدالباری جهانی شاعر افغان غربت نشین که از زمره شاعران بی شماری برای انشاد شعر سرود ملی افغانستان انتخاب شد و این افتخار را بدست آورد. اینها نمونه های از همین هنرمندان افغان غربت نشین اند. امروزه شعراء زبده و نامور کشور که اشعار ایشان بیان اصیل شعری کشور ما را دارند در خارج هستند، همه و همه اینها سالاران سلسله مدنیّت و فرهنگ نثری و نظمی آبا و اجداد ما می باشند که تاریخ فرهنگی ما و بالخصوص تاریخ ادبی و شعری ملت ما سپاسگذار آنان خواهند بود.

۱ - جایزه ادبی «گانکور» در هر سال در اوایل ماه نومبر از طرف اکادمی گانکور به بهترین کتاب سال اهدا میگردد و شرایط انتخاب آن که از هیاتی از نویسندگان نخبه، ادبای بلند مرتبت و اهل ادب و فرهنگ فرانسه بررسی می شود کار دشواری است. تا یک اثر واقعاً ارزش ادبی یا اجتماعی - سیاسی را نداشته باشد بدست آوردن این جایزه بر طنطنه محل است. (http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/wali_ahmad_nouri_atiq_rahimi_eftekhar_afghanistan.pdf)

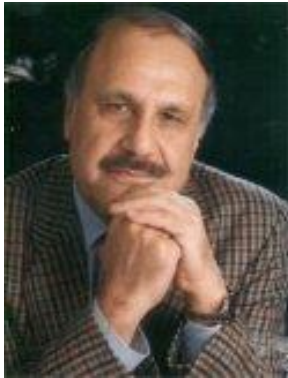
د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

شعرا و ادبای دور از وطن ما چون در شرایط متفاوت از شرایط کشور ما کار و فعالیت هنری شان را به سر می رسانیدند، این شرایط متفاوت، اثرات معینی در کار های ایشان به جا گذاشته است، تحولات کیفی و ساختاری در محصولات شعری ایشان پدید آمده و دیدگاه های شاعران ما را تا افق های وسیعتری توسعه داده است و نیز در میان آنان فاصله میان شعرای ذکور و اناث افغان کمتر معلوم می شود، یعنی ما تعداد زیادی شاعر اناث در میان شعرای افغان خارج کشور می بینیم، جامعه افغان های خارج وطن، جامعه دارای بستر فرهنگ مدار، هنر و هنرمند پرور است و پیوند فرهنگی ما را به وطن و مردم ما را تأمین می کند، که یکی از دلایل عمده تعلق ما به سرزمین آبایی ما می باشد، به این ترتیب مجامع ادبی و شعری افغان های خارج از کشور کاملاً مستحق اند تا یک ملک الشعری خارج از وطن داشته باشند.

به نظر من تنها شاعر توانا و چیره دستی که میان تمام شاعران و شعر دوستان جامعه فرهنگی افغان ها هم از لحاظ شکل و مضمون اشعار اش و هم از نگاه سابقه کار و نجابت مسلکی اش و نیز از نظر تبحر در فرهنگ و زبان مسلط کشور و اصطلاحات مربوط آن حایز لیاقت بلند می باشد جناب محترم نسیم اسپر هستند.



تصویر جناب محمد نسیم اسپر

قابل یادآوری است که شعرای افغان خارج از کشور اگر در سرودن اشعار کلاسیک و عروضی جولان شگفت انگیزی داشته اند در سرودن اشعار فراغ و دل انگیز نو و آزاد از مجرب ترین مماثل زمان خود کمی نکرده اند، شعر نو و شعر سفید صدا های دلنوازی شدند که راوی ناگفتنی ترین درد ها و رنج های مردم ستمدیده ما گشتند.

جناب اسپر با آنکه شعر کلاسیک می سراید، جایگاه و منزلت شعرای شعر نو و شعر آزاد را در پیکره هنر شعری و ادبیات وطن ما خوب دانسته و آنرا بخش تفکیک ناپذیر و مهم این پیکره می داند، به همین سبب است که شعرای عزتمند افغان اشعار نو و آزاد و آزاد سرایان به محترم اسپر حرمت عمیق داشته و جناب ایشان را ممثل مطمئن و نماینده و نطق دارای صلاحیت مسلکی خویش دانسته و به او اعتماد دارند.

از جانب دیگر مثلیکه جناب داکتر سید خلیل الله هاشمیان نویسنده شناخته شده جامعه افغانی در هجرت، استاد ادبیات دری مدیر مسوول مجله «آئینه افغانستان» می فرمایند: «در چند هفته گذشته از طبع روان استاد نسیم (اسپر) اشعاری خوانده ام که هرکدام آن از زاویه بدیع و بیان فوق العادگی دارد. غزل اول مرثیه ای بود به مناسبت وفات ملک الشعراء مرحوم استاد محمد ظاهر (هاتف) که به مجرد خبر شدن از وفات آن مرحوم، فی البدیبه سروده شده و حیف است اگر آنرا به مطالعه خوانندگان نرسانم:

افول ستاره ادب

باز هـنـگـامـه ای به جان افتاد	شـور در جمـع دوستان افتاد
تیره شد روز و آفتاب گرفت	ماه از چـنـگ کـهـکـشان افتاد
نالـه ها از دل زمین برخاست	لـرزـه در پهنه زمان افتاد
خبر تلخ آمد و گفتند	گوئیـا سنگ ، ز آسمان افتاد
بلبل خوش نوای ، نغمه سرا	در دل باغ ، از بیان افتاد
رهبرو رهنمای قافله ، حیف	رفت و از جمـع کاروان افتاد
تاجدار دیار شعر و ادب	«هاتف» آن مرد نکته دان، افتاد
چهره را در نقاب خاک کشید	از معانی و از بیان افتاد
سایه ای بود در محیط ادب	سایه برگشت و سایه بان افتاد
بر سریر ادب ، درخشان بود	آن سخندان با نشان افتاد

این قضای مقدر است «اسپر»

باید آخر ازین جهان افتاد

د پانوی شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

همچنان جناب هاشمیان از یکطرف از فی البدیهه سرودن این مرثیه چنین شهادت میدهد: « . . . من از وفات ملک الشعراء توسط تلفون استاد اسیر را خبر کردم و در ظرف دو سه ساعت وفات استاد «هاتف» بمن ایمیل شد. هر مصراع این مرثیه توصیف ممدوح را در بر دارد، و این در مهارت مرثیه سرایی کار آسانی نیست.» و از جانب دیگر در همین مقاله خود که بتاريخ ۱۹ دسمبر ۲۰۱۲ در پورتال افغان جرمن آنلاین نشر شده است جناب نسیم اسیر را در زمره چهار تن شعرای دیگر افغان که اسمای شان در مقاله اش ذکر شده، به اساس آثار و اشعار و کبر سن شان مستحق منصب فخیم ملک الشعرای در مهاجرت می شناسد، که این هم تأییدی است بر پیشنهاد اینجانب جهت انتخاب جناب محمد نسیم اسیر منحبث (ملک الشعرای افغان های ساکن خارج کشور).

از سوی دیگر استاد محمد نسیم اسیر از آن دسته نویسندگان اصیل و آن شعرای میباید که همواره در راه اتحاد اتباع افغانستان و در راه اخوت و برادری و برابری مردم خود تلاش کرده و در برابر اندیشه های تفرقه اندازی و تجزیه طلبی رزمیده است و پیرامون اتحاد مردم خود و وحدت باشندگان کشور خود عاشقانه تلاش نموده و برای جلب توجه هموطنانش در راه همبستگی و اتحاد و اتفاق، گلمهره های شعری ناب و بی همتا سروده است که یکی از صد ها نیایش او را به آرزوی وحدت هموطنانش در اینجا باهم می خوانیم:

نیایش به آرزوی وحدت!!!

یا الهی! درد مردم را ز حد افزون مکن
رَهرو سینای وحدت را «من وسلوی» رسان
شیعه و سنی، برادروار باهم زیستند
شاد کن دل های ما، با وحدت و همبستگی
ظن و بد بینی ز قلب تاجک و پشتون زدای
این دلاور مردمان را بیش ازین از هم مپاش
این سعادت مند مردم را به چنگ غم مده
ازبک و تاجک، هزاره، همنوا و همدل اند
این سپاه پیشتاز قرن را برهم مزن
با درایت، تا قدم در حلقه وحدت نهند
قطره های خون چشم سیل دامنگیر شد
سرزمین آریا، افغان ستان پاک را
از پریشانی میهن، سخت می نالد «اسیر»
بیش ازینش در کف اندوه مده، دلخون مکن

زمانیکه بدخواهان افغانستان واحد و سربلند مفکوره جدایی طلبی اقوام برادر و برابر افغانستان را با بهانه های مختلف و روایات فتنه انگیز در رسانه های تصویری و تحریری آغاز کردند و هویت «افغانی» افغان ها را مورد سؤال قرار دادند و خواستند هویت باشندگان افغانستان را به عوض «افغان» (افغانستانی) معرفی کنند، استاد محمد نسیم اسیر فخرالشعرای افغانستان و شاعر وطن پرست میهن سروده عالی و ملی آتی را منحبث فریادی به فرد فرد افغان و همه تبار ها و اقوام عزیز و باشندگان این خطه تقدیم کرد و به دل و دماغ اولاد این خاک رسانید که بلا وقفه زیب صد ها و صد ها جریده، مجله و روزنامه های دری زبان سراسر جهان گردید و توجه جدی همه افغانان وطن پرست و طرفداران حفظ و بقای افغانستان واحد و عاشقان وحدت کشور ما را بخود جلب نمود:

بنام همت مام وطن را
کهن بوم و بر افتخارم
باین نام است شان و شوکت ما
به نام قوم اگر باهم ستیزیم
مباش اندر پی ویرانی بی خود
(اسیر) آرزومند تو گوید
به دامن پروریده تو و من را
همان افغان ستان نامدارم
ز (افغان) پایه های وحدت ما
بنای وحدت از بنیاد ریزیم
اساس بی سر و سامانی خود
به عجز و انکسار از تو بجوید

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاډونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

که گر پرسد کسی از تو نشانی
بگو افغان، مگو افغانستانی

مهمتر از همه، جناب استاد نسیم اسیر اولین شاعر قلم بدست و شجاع افغانستان است که بعد از قرن ها خموشی به حجاج افغانی فریاد زد و به موضوع درد آور و غیر عادلانه و دور از ارشادات اسلامی رفتن آنها به عربستان سعودی انگشت گذاشت و مانند مولانای بزرگ بلخ که هشت صد سال قبل این، سخنان دُرگونه را سروده بود، شجاعانه و دلیرانه مرز مصلحت های مذهبی و دیوار های آهنین را درید و بر مسلمانان وجدان خفته افغان که دریای پول را به عوض حفر چاه های عمیق در دهات و قرا های وطن شان برای تهیه آب آشامیدنی به ساکنان آن بمصرف برسانند یا در دهات دور دست وطن و عاری از داشتن کوچکترین کمک های صحی به اعمار چند کلینیک طبی و کودکان و مکتب پردازند به دامان اعرابی می اندازند که در دریای بطرول و دالر شنا می کنند. و بدبختانه افتخار هم می کنند که ما «حاجی» شده ایم. صد حیف بر شما که حج مولانا را نیافته اید.

ای قوم به حج رفته کجایید ، کجایید
معشوق همین جاست بیایید ، بیایید

این سخنان از قلم استاد اسیر که یک مسلمان با ایمان و روشن ضمیر و معتدل است دارای ارزش و اهمیت بیشتر میباشد. استاد اسیر با سرودن این مخمس ناب و ارشادگر بر یک شعر فریادگر مولانای بلخ، فرزند اصیل افغانستان، خود را جاویدان ساخت و چه زیبا سروده است این مخمس را که اینک با هم می خوانیم:

ای قوم به حج رفته !!!

یک روز اگر چشم بصیرت بگشایید
این نغمه جان بخش مکرر بسرایید
یک بار گر از ورطه وسواس برآیید
ای قوم به حج رفته کجایید ، کجایید
معشوق همین جاست بیایید ، بیایید

ای دُور ز پندار و فرو رفته به کردار
یک حرف حقیقت بتو میگویم و هشدار
پا از حرم عقل برون آمده ، مگذار
معشوق تو همسایه دیوار به دیوار
در بادیه سرگشته شما در چه هوایید

گاهی به ریا بر سر سجاده نشینید
یک بار گر از میوه اخلاص بچینید
گه سر به فلک ، گاه در اعماق زمینید
گر صورت بی صورت معشوق ببینید
هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شمایید

بی دانه عجب بی سر و سامانه برفتید
از دوست سخن گفته به بیگانه برفتید
خود دام بجا مانده و بی دانه برفتید
ده بار از آن راه ، بدان خانه برفتید
یک بار ازین خانه برین بام برآیید

در کعبه رسیدید و خمیدید و چمیدید
یک نغمه خوش کو، اگر آن لحظه شنیدید
بسیار صفا رفته و در مروه دویدید
یک دسته گل کو، اگر آن باغ دیدید
یک گوهر جان کو، اگر از بحر خدایید

با آنکه به مژگان در آن خانه برفتید
صد دُر گرانیامه بگفتید و بسفتید
در بادیه پیمائی نه خوردید و نه خفتید
آن خانه لطیف است ، نشانهاش بگفتید
از خواجه آن خانه نشانی بنمایید

د پانو شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

ای خانه بیگانه ز امداد تو آباد
در خانه خود از تو «اسیری» نشد آزاد
از خانه ویران شده خویش بکن یاد
با این همه این رنج شما گنج شما باد
افسوس که بر گنج شما ، پرده شما بید

همچنین در این اواخر قصیده بی همتایی در باره (مجاهدین حقیقی) سروده است که به کمک آن میتوان مجاهدین حقیقی و مبارزین اصیل دفاع از وطن و ناموس میهن را از مجاهدین جعلی، قدرت طلب و فاسد که امروز پیکر نحیف افغانستان را در ید قدرت خود گرفته و خون آنرا مانند جوک ها می مکنند، فرق نمود. متن مکمل آن قصیده عالی و بی همتا را که از نظر معاییر ادب و عروض هم فوق العاده زیباست به کمک لینک ذیل می توانید مطالعه فرمائید. من صرف چند شاه فرد آنرا در اینجا درج نموده از نظر شما می گذرانم:

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF//assir_nacim_modjahed_haqiqi.pdf

مجاهد حقیقی

کجائی ای یگانه پاسدار نص قرآنی
تو تاج افتخار شیخ و شاب نسل انسانی
درخشیدی و عالم را ، جهادت کرد نورانی
تو جان پاک خود را اندرین ره کردی ارزانی
شکست افتاد در بنیاد استعمار شیطانی
ز هم پاشید زنجیر اسارت های انسانی
ترا از هم جدا کردند ، بیدردان به آسانی
که بد نامت نمودند ، این برادر های اخوانی
چو پشم آلود دارند ، تکیه بر اورنگ سلطانی
نیویدند جز در راه جنگ و خانه ویرانی

کجائی ای مجاهد ! ، ای سر و سردارانسانی
سر و سردار افغانی؟؟ ، چه وصف نا بجا گفتم
تو چون خورشید تابان در قیام حق درخشیدی
تو خون خویش را وقف ره مام وطن کردی
تو برپا خاستی مردانه ، و ز فیض قیام تو
تو از قید جهان رستی ، ولی از زور بازویت
تو مشت محکمی بودی به مغز پوچ بدکیشان
به نام پاک یزدان، پاک رزمیدی، مگر افسوس
به این پشمینه پوشان آبروی قوم چون پشم است
نکوشیدند جز در تیره بختی و سیه روزی

این قصیده کوتاه هم به گفته جناب استاد هاشمیان در بیان نا بسامانی های جهاد و خود پرستی (زعمای تنظیم های - ون) مجاهدین و بهره برداری ده ها کشور زیر یوغ استعمار و استثمار از جهاد افغانستان، یک شاهکار است.

با تأیید گپ استاد هاشمیان، ما افغان های مهاجر به منظور روشن نگه داشتن چراغ ادب دری در مهاجرت، باید یک ملک الشعراء داشته باشیم، تا دوام استحکام ادب دری و نیز آشنا ساختن اولاد افغان با ادب پر بار زبان دری در مهاجرت، خدمتی کرده بتوانیم.

این حقیر سرا پا تقصیر از تمام ادبا و شعرای عزتمند افغان و شعر فهمان جامعه دری زبان داخل و خارج افغانستان تمنی دارد تا صرف نظر از هر نوع تنوعات موضوعی و موضوعی و فکری و اندیشه یی، در این زمینه نظر و رأی خویش را تحریر و به پورتال معزز «افغان جرمن آنلاین» بفرستند. و از این پورتال ملی و محبوب افغان خواهش میکنم تا نظرات و پیشنهادات این هموطنان را (بدون کم و کاست) در پنجره مخصوص این موضوع به منظور تثبیت رأی اکثریت هم میهنان به نشر برساند. با حرمت بی پایان

پایان

د پانوی شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی